از امام علی‌النقی(ع) و امام حسن‌عسکری(ع) کمتر مطلبی گفته و نوشته می‌شود. شـــرایط زمانی آنان و حبس و بازداشت خانگی در منطقه نظامی و پادگان نظامیان عباسیان، به طور طبیعی محدودیت‌هایی را برای امامان(ع) ایجاد کرد. از همین‌رو، کم‌ترین سخن و سیره‌ای از آنان نقل شده است. اما همین اندک نیز کمتر از سوی نویسندگان نقل و بررسی و تحلیل شده است. نویسنده در مطلب حاضر بـــه تبیین برخی از ویژگی‌های امام هادی(ع) و شرایط دشوار زمان آن حضرت اشاره کرده است.

***

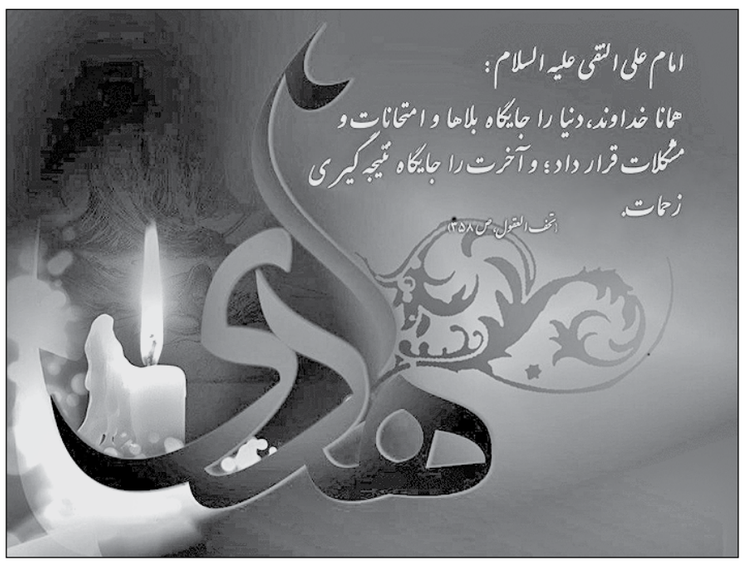

امام هادی(ع) را نیز عسکری می‌گویند؛ زیرا همانند فرزندش امام حسن عسکری(ع) در عسکر سامرا یعنی پادگان نظامی در بازداشت زندگی می‌کرد؛ از همین‌رو، در کتب روایی از آن دو امام(ع) به عنوان عسکریین(ع) یاد می‌شود.

به مناسبت سوم رجب سالروز شهادت دهمین خورشید امامت

سبک زندگی امام هادی(ع)

■ مرتضی مجیدی

شرایط سخت دوره امامت امام هادی(ع)

ویژگی‌های امام معصوم، علم و عصمت و برخورداری از فضایل اخلاقی و قدرت تکوینی و برتری از همه افراد زمان خویش در همه خصلت‌هاست و اینها همه در وجود امام هادی علیه‌السلام جمع بود. مسئولیت امام(ع) به عنوان حجت و خلیفه الهی بر زمین، محدودبه تبیین‌گری مسایل و تفسیر الهی از قرآن برای انسان‌ها نیســت؛ بلکه دایره مسئولیت آنان همه بشریت است. آنان همانند خورشیدی هستند که ماسوی الله را به عنوان خلیفه الهی ربوبیت می‌کنند؛ حال اگر برخی‌ها خواسته و ناخواسته در برابر بهره‌گیری ظاهری از نور هستی‌بخش آنان، حایل و دیواری کشیده‌اند، به معنای عدم انجام مسئولیت نیست؛ بلکه آنان درباره همین افراد یعنی حتی دشـــمنان خویش از شیاطین جنی و انسی نیز نقش ربوبیت خویش را انجام می‌دهند و آنان را به کمال بایسته و شایسته‌شان می‌رسانند.

از نظر قرآن کم‌ترین نقش ائمه اتمام حجت نســبت به دشـــمنان است تا کسی مدعی نشود که حق را ندیده و نمی‌شناخت و حجت بر او تمام نشده بود. خداوند می‌فرماید: و ما أهلکنا من قریه الا لها منذرون؛ و هیچ آبادی و شهری را هلاک نکردیم، مگر آنکه برای آن هشدار دهندگانی بود. (شعراء، آیه۲۰۸)

امام علی‌النقی(ع) یکی از انذارکنندگان الهی بود که وجودش انذاری برای شیاطین جنی و انسی از عباسیان و دیگران بود. ایشان همه خصوصیات امامت را داشـــت و به مســـئولیت خویش در حد استطاعت عمل می‌کرد و می‌کوشید تـــا به اصلاح امور امت در حد توان بپـــردازد؛ چنان که همه پیامبران این‌گونه عمل می‌کردند. این درحالی است که تقیه بر پیامبران(ع) جایز نیست درحالی که برای امامان تقیه جایز و بلکه در شـــرایطی واجب است؛ با این همه آنان به مســـئولیت اصلاح‌گرانه خویش در امت اسلام می‌پرداختند و به تعبیر حضرت شعیب درحد استطاعت عمل می‌کردند (هود/۸۸)

امام هادی(ع) در شـــهر سامرا در بازداشت زندگی می‌کرد. سامرا یک شهر نظامی و پایتخت بعضی از خلفای عباسی بود و انتقال امام به آن شهر، برای آن بود که آن حضرت و رفت و آمدها و روابطش را تحت کنترل داشته باشند. امام هادی(ع) را نیز عسکری می‌گویند؛ زیرا همانند فرزندش امام حسن عسکری(ع) در عسکر سامرا یعنی پادگان نظامی در بازداشت زندگی می‌کرد؛ از همین‌رو، در کتب روایی از آن دو امام(ع) به عنوان عسکریین(ع) یاد می‌شود.

البته برای جدا کردن آن دو بزرگوار و تشخیص آن دو از هم، در روایات به کنیه آنان اشاره می‌شود. مثلاً درباره امام علی‌نقی هادی، کنیه و لقب: اباالحسن العسکری (وسائل الشیعه، ج۴، ص۷۵۰) و برای امام حسن عسکری(ع) کنیه و لقب: ابا محمدالعسکری (خرائج و جرائح، ج۱، ص۴۴۳) به کار می‌رفته است.

آن حضرت(ع) با آنکه در شرایط بازداشت سخت خانگی بود، با این همه در حد توان به مســـئولیت خویش در برابر شیعیان عمل می‌کرد. این درحالی بود که همواره تهدید به قتل می‌شد.

شـــرایط ســـختی که آن حضرت(ع) در آن زندگی می‌کرد، در همه ابعاد زندگی ایشان نمود داشت. از آنجا که هر لحظه ممکن بود که عباسیان ایشان را به شـــهادت برسانند و بدگویان زمینه شهادت را فراهم آورند، تنها اعتماد و تکیه ایشـــان خداوند بود که بدان توکل کرده و خود را به ســـتون الهی حفظ و سرپا نگه می‌داشت ایشان با انتخاب شعاری برای نقش نگین انگشتری خویش سلامت از توطئه‌های دشمن را از خدا می‌خواست.

دو شـــعاری که برای نگین انگشتری ایشان نقل شده خود گواه روشنی از شـــرایط سخت زندگی ایشان در پادگان نظامی و بازداشت خانگی بود. کفعمی گوید: نقش خاتمه [الهادی علیه‌السلام]: حفظ العهود من اخلاق المعبود و قیل: الله ربی هو عصمتی من خلقه؛ کفعمی گوید: نقش نگین انگشتری حضرت امام هادی(ع) چنین بود: «پایبندی به پیمان از اخلاق الهی است.» و نیز گفته شده چنین بود: «الله پروردگار من است و او نگهدار من از خلقش است.» (بحارالانوار، ج۵۰، ص۱۱۷ ح۹)

در شـــعار نخست، به این نکته توجه داده می‌شود که وی عهد و پیمانی را با خدا بســـته است و بدان وفادار است. خود را در مقام بنده خدا نه بنده خلق می‌دانـــد و پیش از آنکه به تعهدات خویـــش در قبال خلق و دولتمردان عمل کند، خود را متعهد می‌داند که به عهد خود با خدا وفا کند و در هر شرایط به مسئولیت عبودیت خویش یعنی تعلیم و تزکیه دیگران و مانند آنها بپردازد که مسئولیت امامت است.

اگر خلیفه غاصب وقت از او تعهد گرفته تا در مسایل اجتماعی و سیاسی دخالت نکند، وی به حکم عهد با خدا، مســـئولیت دارد که به مسائل مردم رسیدگی کند. وی اخلاق بندگی را حفظ عهود می‌داند، ولی هرگز حاضر نمی‌شود عهد با خدا را برای رضایت مخلوقی بشکند.

شعار دوم انتخابی ایشان خود گواه روشنی از تهدیدهای دائمی می‌کند که از سوی حکومت و خلافت غاصب وقت انجام می‌گرفت و هر دم ممکن بود ایشان را به قتل برسانند. حضرت با تأکید بر عصمت و پناه‌جویی به عاصم حقیقی یعنی خداوند، ســـلامت خویش را در گرو مشیت و اراده الهی دانسته و بر آن تأکید می‌ورزد.

آن حضرت با انتخاب این دو شعار و مهر کردن در زیر اوراق و نوشته‌ها، با این شـــعار به شیعیان خویش اصولی از مهم‌ترین اصول زندگی را بیان می‌کرد. به اینکه شیعیان دریابند همواره تعهدات خویش را نسبت به خداوند انجام داده و اخلاق بندگی را فدای اخلاق اجتماعی و تعهداتی نکنند که به زور ســـر نیزه و شمشـــیر از ایشان گرفته می‌شود. دیگر آنکه تنها تکیه‌گاه خویش را خداوند قرار دهند و محفوظ بودن از بدی دشمنان را در اعتماد و توکل بر خدا بجویند.

بـــه هرحال، امام علی‌نقی(ع) چنان برخوردار از صفات و ویژگی‌های امامت بود و در آن شرایط سخت مسئولیت خویش را انجام می‌داد که همه بالاتفاق، امامت ایشان را پذیرفته و بدان اقرار کرده‌اند. شیخ مفید در این‌باره می‌نویسد: امام بعد از ابوجعفر(امام جواد) فرزندش ابوالحســـن علی‌بن محمد (امام هادی) بـــود، به خاطر اینکه خصوصیات امامت در او جمع بود و در فضل، کامل بود و جز او، جایگاه پدرش را کسی وارث نبود. (ارشاد، مفید، ص۳۲۷)

ویژگی‌های امام هادی(ع)

در روایات به برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات فردی امام هادی(ع) اشاره شده است. این خصوصیات شامل دو دسته فضایل اکتسابی و غیراکتسابی می‌شود. کسانی که می‌خواهند ایشان را سرمشق قرار دهند باید از ویژگی‌های اکتسابی ایشان بیاموزند و خود را همسان و همانند ایشان درحد توان کنند.

کسانی که امام را دیده‌اند از فضل و نجابت حضرت سخن گفته‌اند. عبیدالله بن یحیی‌الخاقان می‌گوید: لو رأیت اباه رأیت رجلا جزلا نبیلا فاضلا؛ اگر پدر امام عسکری(ع) (یعنی امام هادی) را می‌دیدی او را شخص بسیار کریم و بخشنده، با نجابت و صاحب فضل می‌یافتی. (الارشاد، للمفید، ص۳۳۹)

این روایت بیان می‌کند که امام هادی(ع) با آنکه در شرایط حبس خانگی بود و وجوهات و درآمد وی زیرنظر مستقیم دولتمردان و نظامیان عباسی قرار داشت، با این همه همان اندک چیزی که به دست ایشان می‌رسید در راه خدا به نیازمندان و سائلان می‌داد.

بیان مظلومیت امیرالمؤمنین(ع) در قالب زیارتنامه و از زبان امامان شیعه، برای آگاهی مردم و نسل‌های آینده از ستمی است که از سوی مخالفان، بر خاندان عصمت و طهارت رفته است. اینگونه زیارت‌ها، مثل خواندن اعلامیه افشاگرانه کنار مزار یک شهید است و گویای شدت جو خفقانی است که بر زمان ائمه(ع) حاکم بود و آنان ناچار با زبان دعا و زیارت به ظلمهای رفته بر اهل بیت اشاره می‌کردند.

از دیگـــر خصوصیاتـــی که برای آن حضرت(ع) بیان می‌شـــود اینکه حضـــرت در علم دین، فقیه و از نظر علـــم به دین، متعبد بود. در حقیقت جمع علم و عمل داشته و به چیزی که می‌دانسته عمل می‌کرده است.

ابـــن العماد الحنبلـــی می‌گوید: ابوالحسن علی‌بن الجواد... کان فقیها، اماما، متعبـــدا؛ ابوالحســـن علی‌بن الجـــواد(ع) فقیـــه، پیشـــوا و متعبد (پایبنـــد به دســـتورهای الهی) بود، (شذرات الذهب، ج ۲، ۱۲۸)

تاکید بر عناصری چون فقیه بودن

از آن روست که در آن دوران، نقش فقه و فقیه در جامعه بسیار برجسته بوده و مردم همه افکار و اندیشه و تکالیف خویش را از فقیه می‌گرفتند. فقیهان اهل ســـنت در دستگاه حکومت عباسی با نفوذی که داشتند، زمام امور را به شکلی در اختیار داشتند. تاکید بر عناصری از جمله فقه، امامت و تعبد برای آن است که برای مخاطب روشن شود که امام در فقه و علم دین سرآمد بود و به نقش پیشـــوایی خویش نیز عمل می‌کرده و با همه فشارها و سختی‌ها هرگز از تعبد الهی دور نبود، این در حالی اســـت که حاکمان عباسی یعنی مدعیان خلافت، از علم فقه بهره‌ای نبرده و ناتوان از امامت مردم بوده و به جای بندگی و تعبد به شراب‌خواری و کارهای زشت و نابهنجار که خلاف تعبد و عبودیت است رو آورده بودند.

در شـــرایطی که عسکریین می‌زیستند همانند عصر امام سجاد(ع) تنها راه بیان حقایق و هشدار به شیعیان، دعاها و نیایش بود. آن امامان در دعای خویش بر آن بودند تا راهنمای شـــیعیان باشند. البته بعد شخصی قضیه در جای خود محفوظ است ولی بعد اجتماعی و تزکیه‌ای و تعلیمی را نمی‌توان نادیده گرفت.

شرایط سختی که امام زندگی می‌کند، برای دشمنان هم معلوم بود. آنان با آنکه می‌دانستند شیعیان برای امام خویش وجوهات می‌فرستند و مالی عظیم در اختیار امام(ع) است، اما آن حضرت(ع) هرگز از ساده زیستی و زهد نسبت به دنیا بیرون نرفته است. در هجوم‌های ناگهانی که به منزل آن امام(ع) از سوی دولت غاصب انجام می‌گرفت، حقیقت زهدورزی آن حضرت(ع) برای دشمنان آشکار می‌شـــد. جالب این است که دشمنان به جایی حمله می‌کردند که در عسکر و پادگان نظامی بوده است و کمترین رفت و آمدها از نظر جاسوسان مخفی نبود. با این همه حتی آنان به خودشان نیز اعتماد نداشتند و گمان می‌کردند بخشی از همین نظامیان ممکن اســـت از شیعیان بوده و در اشکال مختلف به امام(ع) امکانات و حتی ابزار و آلات نظامی برسانند.

این العماد الحنبلی می‌گوید: به متوکل گفته شد که در خانه حضرت امام هادی(ع) اسلحه و وسایل دیگر هست و او قصد قیام و خروج دارد. دستور داد کسانی به خانه او حمله بردند و حضرت را در اتاقی دربسته یافتند در حالی که لباس پشـــمی بر تن داشـــت و نماز می‌خواند و هیچ‌گونه فرشی در زمین نبود. (شذرات الذهب، ج ۲، ص ۱۲۸)

در حقیقـــت محبوبیت امامان و توجه قلبی و عمیق مردم به آنان، ســـبب حســـادت حاکمان ظالم می‌شد، گزارش‌های مغرضانه و حسودانه مخالفان هم بر آن می‌افزود. از این رو به بهانه‌های مختلف، مأموران را به تفتیش خانه آنان می‌فرستادند و اغلب هم ناکام می‌شدند، چون سلاح و نامه و نشانه‌های قیام در آن نمی‌یافتند. اما این حملات خود ابعادی از شخصیت امام(ع) را به مردم و شیعیان و حتی دشمنان آشکار می‌کرد که از جمله آنها زهدورزی و عبادت ایشان است.

ویژگی‌های شخصیتی حضرت هادی(ع) با همه محدودیت‌هایی که اعمال می‌شـــد، از راه‌های گوناگون به مردم و شیعیان منتقل می‌شد و مردم از ایشان درس زندگی می‌گرفتند. به عنوان نمونه، مردم از صداقت، ســـکوت و کلام به جای امام هادی(ع) مطلع شده و از آن سرمشق می‌گرفتند.

ابن شـــهر آشـــوب درباره خصوصیات اخلاقی امام هادی(ع) می‌گوید: امام هادی کاملترین مردم از نظر خوشـــرویی و صادق‌ترین آنان از جهت گفتار و با نمک‌ترین آنها از نزدیک و کاملترین آنها از دور بود، وقتی ساکت می‌شد شکوه وقار بر او سایه می‌افکند و زمانی که سخن می‌گفت، عظمت و جلوه‌اش آشکار می‌باشد. (مناقب بن شهر آشوب ۴: ۴۰۱)

باید توجه داشت که اموری چون چهره گشاده، گفتار راست و شیرین، زیبایی و ملاحت، کمال و وقار از عوامل محبوبیت پیشـــوایان معصوم(ع) بود و همین، شکوه معنوی آنان را در دلها جای می‌داد و مایه عظمت اجتماعی آنان می‌شد.

اهتمام به مسایل اجتماعی و سیاسی

آن حضرت(ع) با آنکه در شـــرایط ســـختی بود ولی به مسایل اجتماعی و سیاســـی جامعه‌اش توجه خاصی داشت. با همه محدودیت‌ها و اعمال بازداشت خانگی و محاصره و تجسس و هجوم وقت و بی‌وقت به خانه‌اش، آن حضرت(ع) به اشکال گوناگون فضای سیاسی جامعه را تبیین می کرد و با راه‌های مختلف مردم را نسبت به ظلمی که در حق اهل بیت(ع) روا می‌شود، آگاه می‌ساخت.

به عنوان نمونه ایشان در سلام خویش به حضرت علی(ع) به مسایل سیاسی و سیاست‌های دولت‌های باطل و طاغوتی گذشته و حال اشاره می‌کند: چنانکه در کنـــار قبر امیرالمؤمنین(ع) چنین می‌گفت: ســـلام بر تـــو باد ای ولی‌خدا! شهادت می‌دهم که تو نخستین مظلوم و اولین کسی هستی که حقش غصب شد. برای خدا صبر کردی تا آنکه یقین (وفات) تو را فرا رسید. (کامل الزیارات ص ۹۴: ح ۹۴)

در حقیقت بیان مظلومیـــت امیرالمؤمنین(ع) در قالب زیارتنامه و از زبان امامان شـــیعه، برای آگاهی مردم و نسل‌های آینده از ستمی است که از سوی مخالفان، بر خاندان عصمت و طهارت رفته است. اینگونه زیارت‌ها، مثل خواندن اعلامیه افشـــاگرانه کنار مزار یک شهید است و گویای شدت جو خفقانی است که بر زمان ائمه(ع) حاکم بود و آنان ناچار با زبان دعا و زیارت به ظلمهای رفته بر اهل بیت اشاره می‌کردند.

راهکارهای حل مشکلات اقتصادی از دیدگاه قرآن

■ مجید روشن‌فر

شاید مهمترین مشکل مردم، مشـــکلات اقتصادی باشد؛ زیرا اقتصاد مهمترین دغدغه مردم را تشکیل می‌دهد. اگر اقتصاد مردم حل نشود گویی هیچ مشکلی حل نشده است. البته یک مسلمان، اقتصاد را به عنوان همه زندگی نمی‌داند اما نمی توان نخستین نیازهای طبیعی و غریزی انسانی را نادیده گرفت لذا به حل مشکلات اقتصادی به عنوان پاسخ به یک نیاز طبیعـــی اهتمام می‌ورزد. با نگاهی به وضعیت کشـــورهای دیگر این پرسش مطرح می‌شود که براساس آموزه‌های قرآنی و ســـنت‌های الهی، باید وضعیت مسلمانان بهتر باشد؛ زیرا برکات بر جامعه اسلامی نازل می‌شود. پس چه شده که جامعه اسلامی با مشـــکلات عدیده اقتصادی مواجه است؟ پاسخ این پرسش و راه‌حل این مشکلات براساس آموزه‌های قرآن در مطلب حاضر واکاوی شده است.

***

چرایی مشکلات اقتصادی در جامعه اسلامی

خداونـــد در آیات قـــرآن، یکی از خصوصیـــات جامعه اســـلامی را بهره‌مندی از طیبات و برکات می‌داند.

اصولا جامعـــه ایمانی جامعه‌ای برخوردار از امنیت و آرامش و آسایش و رفاه اســـت که خداوند را به عنوان یک مثل و نمونه برای جوامع دیگر معرفـــی می‌کند و می‌فرماید: و خدا شـــهری را مثل زده اســـت که امن و امان بود [و] روزی‌اش از هر ســـو فراوان می‌رســـید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاســـی کردند و خـــدا هم به ســـزای آنچـــه انجام می‌دادند، طعم گرســـنگی و هراس را به [مردم] آن را چشـــانید. (نحل، آیه ۱۱۲)

براســـاس این فرمـــوده خداوند مردمـــی که دارای ایمان باشـــند و کفـــر و کفران نعمت نکنند، همواره از بـــرکات الهـــی از جمله آرامش و آســـایش برخوردار خواهند بود؛ اما وقتی کفر و کفران می‌کنند خداوند به جای امنیت غذایی و رفاه و امنیت و آرامش، آنان را گرفتار گرسنگی و ترس و ناامنی می‌کند. در حقیقت، رفتارهـــا و کردارهـــا و عملکردهای بشری است که موجب تغییرات عمده در زندگی خواهد شـــد. براساس آیه ۱۱ سوره رعد تغییرات مهم در نفوس آدمـــی موجب تغییرات در جامعه و جهان می‌شود. پس اگر مردمی با از دست دادن نعمتی مواجه می‌شوند و نعمتی از دست می‌رود، باید آن را در تغییرات رفتاری و کرداری خود بجویند. (انفال، آیه ۵۳)

بر طبق آیات قـــرآن، نعمت‌ها هرگـــز به نقمت تبدیل نمی‌شـــود، مگـــر آنکه مـــردم تغییراتـــی را در رفتار خود داشته باشند که موجب از دســـت رفتن نعمـــت و تبدیل به نقمت می‌شود. باید گفت این مردم هستند که نعمت را به نقمت تبدیل می‌کنند نه آنکه خداوند نعمت را از ایشان بگیرد. در آیه ۱۱۲ سوره نحل با تاکید بر عملکردهای بشری نشان می‌دهد که علت مباشـــر در تغییر نعمت خود رفتارهای انسان است.

بر همین اساس خداوند در آیه دیگر به سنت‌های حاکم بر جهان و جامعه توجـــه داده و می‌فرماید: ولو ان اهل القری آمنـــوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من الســـماء و الارض ولکـــن کذبوا فاخذنا هـــم بما کانوا یکسبون؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعا برکاتی از آســـمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشـــان [گریبان] آنان را گرفتیم. (اعراف، آیه ۹۶)

پـــس جامعـــه‌ای کـــه مطابق ســـنت‌های حاکم بر جهان و جامعه حرکت کند، به سنت عقاب و عذاب گرفتار می‌آید و شرایط زندگی را بر خود سخت خواهد کرد.

به سخن دیگر، اگر کسی شراب مست‌کننده را عالماً یا جاهلاً بنوشد فرقی نمی‌کند؛ زیرا مست می‌شود؛ زیـــرا خاصیـــت آن چنین اســـت؛ همچنین اگر کسی زهر را از روی علم و یـــا جهل بخورد، زهر در وی تأثیر می‌گذارد. پس دانســـتن و ندانستن در این امـــر تأثیری ندارد. ملتی که بـــر خلاف ایمان و تقوا حرکت کند، برکت از آن ملت می‌رود. البته درباره کســـانی که می‌دانند و برخلاف آن دانایی خود عمل می‌کنند، باید گفت که وضعیت سخت‌تر خواهد بود.

بر طبق آیات قرآن، نعمت‌ها هرگز به نقمت تبدیل نمی‌شود، مگر آنکه مردم تغییراتی را در رفتار خود داشته باشند که موجب از دست رفتن نعمت و تبدیل به نقمت می‌شود. باید گفت این مردم هستند که نعمت را به نقمت تبدیل می‌کنند نه آنکه خداوند نعمت را از ایشان بگیرد.

راه‌های برون‌رفت از مشکلات اقتصادی

خداوند همان‌طوری که چرایی و علل مشکلات اقتصادی را بیان کرده، راهکارهای برون‌رفت از مشکلات را نیز روشن نموده است. از جمله این راهکارها عبارتند از:

۱- ایمان و تکیـــه بر خدا: بی‌گمـــان ایمان مهم‌تریـــن عامل برون‌رفـــت از مشـــکلات از جمله مشکلات اقتصادی است. خداوند در همین آیات پیش گفته از جمله آیه ۹۶ ســـوره اعراف و ۱۱۲ سوره نحل بر این امر تأکید دارد؛ همچنین از آیه ۲۸ ســـوره توبه به دست می‌آید که جامعه اسلامی باید به جای تکیه بر دیگران به خداوند و فضل الهی تکیه و اعتماد کند. اعتقاد به اینکه قبض و بســـط اقتصادی در دست خداوند است، مهم‌ترین عامل در تحقق این راه برون‌رفت است. به سخن دیگر، مشیت الهی، منشأ توسعه و تنگناهای اقتصادی است. چنین باوری است که می‌تواند انسان را در مسیر کمالی قرار دهد و جامعه را از مشکلات رهایی بخشد. (بقره، آیه۲۴۵؛ رعد، آیه۲۶؛ اسراء، آیه ۳۰)

۲- تقـــوا: براســـاس آیـــات پیش‌گفته تقوای الهی از دیگر عوامل حل مشـــکلات از جمله مشـــکلات اقتصادی است. خداوند در آیات ۲ و ۳ سوره طلاق می‌فرماید: هر کسی تقوای الهی پیشه کند خداوند برای او محل خروجی قرار می‌دهد؛ و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رســـاند و هر کس بر خدا اعتماد کنـــد او برای وی بس اســـت. خدا فرمانش را به انجام رسانده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.

۳- نظارت مستمر رهبران صالح: از دیگر عوامل برون‌رفت از مشکلات اقتصادی، نظارت مستمر رهبران صالح اســـت. ایـــن نظارت مســـتمر بویـــژه در فعالیـــت مهم اقتصادی و طرح‌های سازندگی لازم و ضروری است؛ یعنی همان‌طوری که حضرت ســـلیمان(ع)، حضرت یوســـف(ع) و حضرت ذوالقرنین(ع) در طرح ســـازندگی عظیم، نظارت مستقیم و مســـتمر داشتند با آنکه پیامبر بودند، بر رهبران صالح جامعه اســـت تا بر کارها و طرح‌های بزرگ نظارت مستقیم و مداوم داشته باشند. (یوسف، آیه۵۵ و ۵۸؛ کهف، آیات ۹۳ تا ۹۷؛ سبا، آیات ۱۲ و۱۳)

۴- برنامه‌ریـــزی درســـت مدیـــران صالح: مدیـــران صالح همـــان طوری که در کلیات دخالت می‌کنند باید در برنامه‌ریزی مشارکت داشته باشند؛ زیرا بدون برنامه‌ریزی نمی‌تـــوان امیدی بـــه برونرفت از مشـــکلات بویژه بحران‌های عظیم اقتصادی داشت. (یوسف، آیات ۴۷ تا ۴۸؛ کهف، آیات ۹۳ تا ۹۷؛ ســـبا، آیات ۱۲ و ۱۳).

۵- قطع واردات و اعتماد به منابع داخلی: از آیه ۲۸ سوره توبه به دســـت می‌آید که حل مشکلات اقتصادی بـــا واردات کالا شـــدنی نیســـت؛ بلکه با قطع واردات کالا و تکیه و اعتماد به منابع داخلی است که می‌توان از مشـــکلات اقتصادی رهایی یافت. امید به خارج از مرزها هرگز نمی‌تواند مشکلات را حل کند، بلکه بر مشکلات می‌افزاید هر چند که ممکن است در کوتاه مدت آثار مثبتی داشته باشد، ولی در بلندمدت موجب نابودی اقتصاد، این ســـتون اصلی خیمه، جامعه اسلامی می‌شود؛ خداوند در همین آیه ۲۸ سوره توبه تاکید دارد که برخلاف تصور ساده برخی که گمان می‌کنند قطع واردات و تحریم اقتصادی و مانند آن موجب می‌شود تا جامعه اسلامی با بحران اقتصادی مواجه شود، باید گفت که قطـــع واردات و حتی تحریم، خود مهم‌ترین عامل تکیه بر خدا و منابع داخلی خواهد شد.

پس جامعه اسلامی نه تنها نباید از قطع واردات و یا تحریم بیمناک و نگران باشـــد، بلکه باید خوشحال باشـــد؛ از همین رو واردات و تکیه بر منابـــع خارجـــی و بیگانه بویژه بیگانگانی که دشمن جامعه هستند مورد نهی قرآن است.

۶. پرهیز از اسراف و تبذیر: از جمله راه‌های برونرفت از مشکلات اقتصادی پرهیز از هرگونه اسراف و تبذیر اســـت که موجب هدر رفت سرمایه‌های جامعه می‌شود. (اسراء آیه ۲۶ و ۲۷)

۷. قناعت و میانه‌روی: اصولا اقتصاد، قوام بخش جامعه اســـت و با قناعـــت و صرفه‌جویی به معنای مصرف درست کالا می‌توان بسیاری از مشکلات اقتصادی را حل و فصل کـــرد. از این رو میانه روی و قناعت در آیـــات و روایات مورد تاکید قرار گرفته اســـت؛ زیرا این رویه موجب می‌شـــود تا جامعه به جای آنکه به دســـت دیگران توجه کند به همان چیزهایی که دارد بســـنده کرده و برای رســـیدن به خودکفایی تلاش کند. (فرقان، آیه ۶۷)

۸. پرهیز از روحیه تجاوزگری و قانون‌گریـــزی: از دیگر عوامل مشـــکلات اقتصادی تجاوزگری و قانون گریزی است. خداوند با اشاره به روحیه تجاوزگری و قانون گریزی ملت یهود بر این نکته تاکید می‌کند که راه برنروفت از مشـــکلات، ترک چنین روحیه‌ای است تا گرفتار سنت غضب الهی نشوند. (بقره، آیه ۶۱)

۹. انفاق و احسان: بر اساس آیات ۱۷ تا ۳۱ سوره قلم، ترک انفاق و احســـان از اموال و عدم پرداخت حقوق واجب مالی موجب خشـــم خداوند و گرفتاری انســـان و جامعه در مشکلات اقتصادی است، بنابراین راه برونرفت از چنین مشکلاتی انفاق و احسان است.

۱۰. یتیم نوازی: بر اساس آیات ۱۶ و ۱۷ ســـوره فجـــر ترک یتیم نوازی عامل مشکلات اقتصادی و از دست رفتن برکت از مال است، لذا یتیم نوازی عامل رشـــد اقتصادی و برون‌رفت از مشکلات است.

۱۱. ترک تنوع‌طلبی تبذیری و اســـرافی: نوعـــی از اســـراف و تبذیـــر، همان اســـراف تنوع‌طلبی است. جامعه‌ای که گرفتار این نوع تنوع‌طلبی است هم گرفتار بحران و مشکلات اقتصادی می‌شود و هم ناتـــوان از برون‌رفت از آن؛ پس باید آن رویه را ترک کند تا مشـــکلات اقتصادی‌اش برطرف شـــود. (بقره، آیه ۶۱)

۱۲- حکومـــت صالحـــان: حکومت فاســـدان مهم‌ترین عامل در مشکلات اقتصادی است. خداوند در آیـــات ۲۰۴ و ۲۰۵ ســـوره بقره حکومت صالحان را مهم‌ترین عامل در حل مشکلات اقتصادی دانسته و بر آن تاکید می‌کند. مراد از حکومت صالحان تنها حکومت آنان در راس هرم قدرت نیست، بلکه در سطوح میانی تا پائین‌ترین سطح لازم است تا صالحان حضور و حکومت داشته باشـــند. در جوامعی کـــه صالحان، فقط در رأس حضور دارند درحالی که کارگزاران در ســـطوح میانی و زیرین از افراد نامناسب و ناشایست هستند، نه‌تنها مشکلات حل نخواهد شد بلکه ناامیدی نیز تقویت می‌شود؛ زیـــرا گمان بر این خواهد شـــد که صالحـــان ناتوان از مدیریت یا خود، عامل فساد هستند.

۱۳- تـــرک رباخـــواری: ویژه‌خواری و رباخواری و اختلاس و مانند آن از دیگر عوامل موثر در ایجاد اقتصاد بحرانی و شکســـت خورده است؛ بنابراین برای برون رفت از آن مشکلات باید نخست ریشه این گونه حرکات و رویه اقتصادی نامناســـب گرفته شـــود. (بقره، آیه ۲۷۵؛ روم، آیه ۳۹؛ نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱)

۱۴- عدالت: اگـــر بی‌عدالتی بویژه ظلم و ستم در حوزه سهم‌بندی اقتصادی مهمترین عامل در زمینه آســـیب‌های اقتصادی باشـــد، باید گفت که عدالت مهمترین عامل در برونرفت از این مشـــکلات است که در آیات قرآن از جمله آیه ۲۵ سوره حدید و نیز ۳۴ سوره ابراهیم و مانند آنها به آن توجه داده شده است.

۱۵- مدیریت خردمندان: باید اموال در دست خردمندان قرار گیرد و حکومت و مدیریت در دست آنان باشد نه ســـفیهان سبک مغزی که اموال ملی و شخصی را تباه کرده و بر باد می‌دهند. (نساء، آیه ۵)

۱۶- شکر نعمت: شکر نعمت به معنای استفاده درست از نعمت و به کارگیری آن برای رشد فردی و جمعی مردم است. پس باید ترک کفران نعمت به معنای پیش گفته شود، تا این گونه مشکلات اقتصادی نیز حل شـــود (ابراهیـــم، آیات ۷ و ۳۴؛ نحـــل، آیه ۱۱۲؛ ســـباء، آیات ۱۲ و ۱۳)

۱۷- عدالت اقتصادی: استفاده از موازین اقتصادی چون کیل و ترازو و متـــر و مانند آن باید در دســـتور کار قـــرار گیرد؛ زیرا کم‌فروشـــی و گران‌فروشی و مانند آن همان‌طوری که موجب ســـلب اعتماد می‌شود، غضب الهی را بـــه دنبال دارد. پس برای رهایی از بحران‌ها و مشکلات اقتصادی باید بـــر عدالت اقتصادی به این معنا نیز توجه ویژه‌ای شود. (اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ و ۸۵ و آیات دیگر)

۱۸- گردش ســـالم ثروت: برای رهایی از مشـــکلات اقتصادی بایـــد انفال و ثروت ملـــی در تمام اقشار جامعه به گردش درآید و تنها در دســـت ثروتمندان و قدرتمندان نباشـــد؛ توجه به انفـــال و پرداخت یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم و حمایت از اقشار ضعیف و مستضعف از مهمترین راهکارهای قرآنی برای حل مشکلات اقتصادی است. (حشر، آیه ۷)

۱۹- اصلاح روابط اقتصادی: هرگونه رفتار فاسد و افساد در حوزه اقتصادی مشکل‌زا است؛ بنابراین باید در راســـتای اصلاح روابط اقتصادی تلاش شود تا مشـــکلات اقتصادی جامعه برطرف شـــود. (اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ تا ۸۸)

آنچه بیان شد تنها گوشه‌ای از راهکارهای قرآن برای برون رفت از مشکلات اقتصادی است.

اقتصاد، قوام بخش جامعه است و با قناعت و صرفه‌جویی به معنای مصرف درست کالا می‌توان بسیاری از مشکلات اقتصادی را حل و فصل کرد. از این رو میانه روی و قناعت در آیات و روایات مورد تاکید قرار گرفته است؛ زیرا این رویه موجب می‌شود تا جامعه به جای آنکه به دست دیگران توجه کند به همان چیزهایی که دارد بسنده کرده و برای رسیدن به خودکفایی تلاش کند.

از آیه ۲۸ سوره توبه به دست می‌آید که حل مشکلات اقتصادی با واردات کالا شدنی نیست؛ بلکه با قطع واردات کالا و تکیه و اعتماد به منابع داخلی است که می‌توان از مشکلات اقتصادی رهائی یافت.

چراغ راه

مرگ زودرس

قال الامام الهادی(ع): «العقوق ثکل من لم یثکل»

امـــام هادی(ع) فرمود: نافرمانی از پـــدر و مادر موجب مرگ زودرس می‌شود.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۴

حکایت خوبان

اجابت دعای خالصانه

شخصی به نام ابوموسی می‌گوید: خدمت امام هادی(ع) رسیدم و عرض کردم: متوکل حقوق مرا قطع کرده و این به ســـبب ارادتی اســـت که من به شما دارم. دستور فرمایید تا حقوق مرا بدهند.

امام فرمود: اگر خدا بخواهد مشکلاتت حل می‌شود.

همان شب فرستادگان متوکل در خانه را زدند. در را که باز کردم، فتح، وزیر متوکل، به من گفت: در منزلت چه می‌کنی؟! متوکل سراغت را می‌گیرد.

من نزد متوکل رفتم. متوکل با دیدن من گفت: ای ابوموسی ما حواسمان به تو نیست، تو هم خودت را فراموش کرده‌ای!؟ آن گاه سهمم از بیت‌المال و هدایا و اموال زیادی را به من بخشید.

در راه بازگشت، به فتح گفتم: امام هادی(ع) اینجا آمده بود؟

گفت:ن